

سیدرتفلن را متعلق به خانواده‌گان ۰۲۳۳۳۷۰۰۲۳۳۳۰۰

آبیاری باغچه‌ها موجب هدر رفت آب و آلودگی نشود در خیابان دولت محدوده قلهک واقع در منطقه ۳شهرداری، شب‌ها باغچه‌ها و فضای سبز را آبیاری می‌کنند. تا اینجا کار مشکلی نیست و جای تشکر و خدا قوت دارد اما شیوه آبیاری به‌نحوی است که تمام پیاده‌رو و مغازه‌ها و ساختمان‌های نزدیک به این باغچه‌ها، کثیف و گل‌آلود می‌شوند. او لا که در این شرایط کم آبی هدر دادن آب درست نیست، در ثانی ما ناچار به استفاده از آب برای نظافت محدوده‌های گل‌آلود می‌شویم که دوباره مصرف آب است. با ۳۷ و فضای سبز هم تماس گرفته‌ایم که متأسفانه توجهی نشده است.

**معوقات کارگران سدشفاورد ۷ ماهه شد**
۷ماه است که از پرداخت معوقات حقوق کارگران سدشفاورد خبری نیست و هیچ مسئولی هم برای پاسخگویی پیشگام نمی‌شود. از شهریور سال گذشته که احداث سد شفاورد متوقف شده تاکنون ۸۰۰کارگر بیکار شده دنبال دریافت معوقات ۷ماه پایی کار خود هستند ولی تاکنون خبری از آن نشده است در حالی‌که اگر همین امروز هم معوقات را بپردازند ارزش آن بسیار کاهش یافته است. جدای این در مدت یادشده بیمه کارگران نیز رد نشده و هیچ مسئولی هم پاسخگویی این وضع نیست.

<b>یوسفی از رضوانشهر گیلان</b>	
<span></span>	
<b>پیامک</b>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>ارسال پیام کوتاه خوانندگان</div></div></div> <p><b>۰۲۳۳۰۰۲۳۳۰۶</b></p>	

ادامهٔ بلاکلیفی قبول‌شدگان نهایی آزمون استخدامی هشتم متأسفانه پس از احراز و تأیید صلاحیت‌های عمومی و تخصصی داوطلبان آزمون استخدامی هشتم، توسط هسته‌های گزینش و تکمیل پرونده استخدامی، روند جذب و به‌کارگیری این‌عده متوقف و بسیار طولانی‌شده و افراد بلاکلیف در معرض انواع آسیب‌های روحی و روانی قرار گرفته‌اند. فرایند توقف در حالی صورت گرفته که تعدادی از پذیرفته‌شدگان از اسفند ۱۴۰۰ مشغول به‌کار شده‌و در حق باقی پذیرفته‌شدگان، تبعیض صورت گرفته است؛ مسئولان توضیح دهند که تکلیف باقیمانده‌گان چیست؟ توقع این است که پیگیری به حق و منصفانه بی‌امون تعیین تکلیف قبول‌شدگان نهایی آزمون استخدامی فراگیر هشتم (وزارت کشور) توسط مسئولان ذیربط صورت گیرد.

**پذیرفته‌شدگان جامانده آزمون استخدامی فراگیر هشتم وزارت کشور**

زندانی مالی با ۳۲ میلیون بدهی هستم به دامم برسید من کت زندانی مالی هستم که ۳۲میلیون تومان بدهی دارم و امکان تسویه و پرداخت آن را هم ندارم و به همین دلیل زندانی شدم، اما هموطنان خیر درخواست یاری دارم. من مکانیکی، نجاری و جوشکاری بلدم و می‌توانم بدون دریافت دستمزد با دادن تعهد محضری، تا مدتی برایشان به رایگان کار کنم تا این رقم تأمین شود.

**یک زندانی چشم به راه کمک**

<span><span> </span> <span> </span></span>	<span><span> </span> <span> </span></span>
<b>پیام</b>	<span><span> </span> <span> </span></span>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><div>تلگرام با مردم</div></div></div> <p><b>@bamardom_hamshahri</b></p>	

میادینی از شهرها به نام پدر نامگذاری شوند

در اکثر شهرهای ایران و از جمله سسبوزار، میدانی به‌نام نامی مادر نامگذاری شده، اما تاکنون دیده نشده که میدانی به نام پدر نامگذاری شود درحالی‌که بشر در دو بال پدر و مادر به قله پیشرفت و انسانیت می‌رسد. قطعاً که مادر تجلی عشق، عاطفه، مهر و محبت است اما بی شک پدر هم کوه رنج و غم محبت و صبوری است و چه زیبا می‌شود شهرهای‌مان با ایجاد میدانی به‌نام پدر تجلی‌گاه ارزش‌های پدران هم باشند.

**سلطانی از سبوزار**

پروژه عمرانی تقاطع یادگار امام و آزادی همچنان نیمه‌کاره است سال‌هاست که یک پروژه عمرانی ظاهراً(احداث یک مرکز تجاری) در تقاطع بین یادگار اسام و آزادی نیمه‌تمام مانده تا جایی که قسمت‌های ساخته شده آن در حال تخریب است. از مسئولان شهرداری منطقه درخواست داریم تا با تکمیل این بنا علاوه بر زیبایی و رونق منطقه‌از هدر رفتن بیت‌المال جلوگیری کنند.

**کلاهدوز از تهران**
ماسک زدن اجباری شود
درحالی‌که به‌نظر می‌رسد وارد بیک جدیدی شده‌ایم و اگر رعایت نشود این بیک فراگیر خواهد شد ماسک زدن به فراموشی سپرده شده و عملکرد مسئولان قابل توجه نیست.
زند ماسک یا زدن آن موضوع بی‌اندازه مهمی است و توقع می‌رود وزارت بهداشت در این باره شفاف‌سازی کند.
اگر با اختیاری بودن قرار است شیوع ویروس منحوس کرونا دوباره ه شد که لازم است بازم دستورالعمل‌های گذشته باجدیت اجرا و اعمال شود.

<b>فرزند دان : منصور، سپامک، کامبیز برداران و خواهران: دکتر حمید، دکتر مهدی، دکتر سعید، پروین، مهین و سیمین یغمائی</b>
<b>دکتر غلامرضا یغمائی، ناصر یغمائی، بهروز یغمائی، سهیل جنائی، عبدالرزاق یغمائی و خانواده‌های یغمائی، هما یوئشر، اسکر فیلد، رسانی، جراح نژاد، مالع، شهابی خراسانی، قهرمانی، بهادر، جنائی، ناقلمیان، گوردز، قدس، قراقرلو، محبوب و سایر منصوبین سببی و نسبی</b>

#### گزارش

پسر مقتول که اصرار داشت هرچه زودتر قاتل پدرش قصاص شود، در شب عبد قربان خواب عجیبی دیده‌ا و پدرش را دید که در حال قربانی کردن گوسفندی بود و چندین بار جمله بخشش قاتلش را تکرار کرد و از پسرش خواست تاحق زندگی را از قاتل نگیرد.

پس از این خواب عجیب بود که پسر نوجوان به همراه مادرش راهی دادسرای جنایی تهران شدند و به‌خاطر رضای خدا و بدون قید و شرط قاتل را که قرار بود به‌زودی پای چوبه دار برود قصاص شود، بخشیدند. به گزارش همشهری، ماجرای این جنایت به سال ۹۵ برمی‌گردد. ۱۲۷آبان آن سال گزارش قتلی در بازار آهن تهران به پلیس اعلام شد و تیمی از کارآگاهان جنایی برای بررسی موضوع راهی محل حادثه شدند. تحقیقات نشان می‌داد که درگیری میان ۲نفر از آهن فروشان بازار رخ داده و یکی از آنها با ضربات چاقو به‌شدت زخمی شده که پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داده است.مقتول مردی بود ۳۷ساله و قاتل نیز از هم صنفی‌های او در بازار آهن بود که با توجه به سرخ‌های موجود خیلی زود بازداشت شد. منتهم به قتل که ۳۵ساله بود در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و با قرار قانونی بازداشت شد. وی گفت: با مقتول در بازار آهن کار می‌کردم و همکار بودیم اما از مدتی قبل به‌دلیل اینکه با یکدیگر مرادوهای کاری و مالی داشتیم دچار اختلافاتی شدیم. این اختلافات مالی میان ما شدت پیدا کرد تا اینکه روز حادثه با هم درگیر شدیم و من درحالی‌که به‌شدت عصبانی بودم، کنترل‌م را از دست دادم و با چاقو ضرباتی به مقتول زدم اما قصد کشتن او را نداشتم. وی ادامه داد: وقتی شنیدم او فوت شده به‌شدت ناراحت شدم و پشیمانم.

منتهم به قتل پس از بازسازی صحنه جنایت روانه زندان شد و پس از مدتی در شعبه دهم داد‌گاه کیفری پای میزحاکمه رفت. در جلسه محاکمه اولیای دم درخواست قصاص قاتل را کردند و به این ترتیب عامل جنایت با حکم داد‌گاه به قصاص محکوم شد. هر چند با اعتراض قاتل، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما قضات دیوان نیز مهر تأیید بر حکم صادر شده زدند و به این ترتیب پرونده به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد تا مقدمات اجرای آن فراهم شود. در شرایطی که قرار بود عامل جنایت به‌زودی پای چوبه دار برود و قصاص شود، پسر مقتول که تنها فرزندمقتول بود دپرویز راهی دادسرای جنایی تهران شد و به‌خاطر رضای خدا و احترام عبد قربان قاتل پدرش را بخشید و با گذشت وی، قاتل از چوبه دار و مجازات مرگ گریخت.

#### خواب عجیب پسر مقتول قاتل را از مجازات قصاص نجات داد

#### وقتی مقتول قاتلش را بخشید



**برای آرامش روح پدرم، قاتلش را بخشیدم**
پسر ۱۶ساله است می‌گوید وقتی پدرش را از دست داد ۱۰سال بیشتر نداشت. او که تا چند روز قبل اصرار داشت قاتل پدرش را بالای چوبه دار ببیند و مجازاتش کند، از تصمیمش برای بخشیدن او می‌گوید.

**به قاتل پدرت زندگی ببخشی؟**
شب عبد قربان خواب عجیبی دیدم که هنوز وقتی جزئیات خوابم را به یاد می‌آورم حیرت‌زده می‌شوم. انگار که پدرم از آن دنیا برآم پیغام فرستاد تا قاتلش را ببخشم. من بارها خواب پدرم را دیده‌بودم اما این‌بار ماجرا فرق می‌کرد. هر بار او را خوشحال می‌دیدم اما این‌بار در حال قربانی کردن یک گوسفند بود. به من گفت از خونخواهی گذشت کن و قاتلم را ببخش او چند

پدرم را از دست دادم و تا مدت‌ها به فکر انتقامش بودم

#### کهنه سرباز آمریکایی به اتهام قتل دستگیر شد

## افشای راز قتل دختر ۵ساله پس از ۴۰سال

پس از دیگری آزادشدند. حال آنکه عامل اصلی جنایت یکی از سربازان ارتش بود که هرگز در جریان تحقیقات پلیسی، مورد ظن مأموران قرار نگرفت و کسی به او مشکوک نشد.

#### خارجی

قتل او بازداشت شد.

به گزارش همشهری به نقل از یواس‌ای تودی، خانواده آن قام ۵ساله پس از فرار از جنگ و پناهم به کالیفرنای آمریکا پناه آورد بودند تا‌ا از گزند جنگ در آمان بمانند. آنها اما تهور نمی‌کردند که سرنوشته‌هوانکی در انتظارشان است. آن قام

تنها ۵سال داشت و به همراه خانواده‌اش

در خانه‌ای کوچک در شهر مونتری کلتی زندگی می‌کردند. او هر روز به

همراه مادر یا خواهر و برادر بزرگ‌ترش مسیر نه چندان طولانی تا مهد کودک را طی می‌کرد و بعداًظهر به خانه پدری نامگذاری شد. درحالی‌که مادر تجلی عشق، عاطفه، مهر و محبت است اما بی شک پدر هم کوه رنج و غم محبت و صبوری است و چه زیبا می‌شود شهرهای‌مان با ایجاد میدانی به‌نام پدر تجلی‌گاه ارزش‌های پدران هم باشند.

پس از آن حوالی آن روز وقتی خبری از آن نشد، نگران شد و راهی مهد کودک شدند.وقتی معلوم شد که دختر ۵ساله این روز اصلاً به مهد کودک نرفته، نگارنی خانواده او جایش را به وحشتی عمیق داد. طولی نکشید که ماجرا به پلیس گزارش شد و تیم‌های جست‌وجو برای پیدا کردن دختر گمشده‌وار عمل شدند. آنها همه جا به‌دنبال دخترپه گمشده تا اینکه ۲روز بعد، جسد بی‌جان او را در نزدیکی میدان تیر پایگاه ارتش که در آن حوالی بود پیدا کردند. بررسی‌ها نشان می‌داد که دخترپه خردسال هدف تجاوز جنسی قرار گرفته و پس از آن خفه شده بود.

#### قاتل ناشناس

پلیس که تحقیقات گسترده‌ای را برای پیداا کردن قاتل دختر خردسال آغاز کرده بود، افراد زیادی را به‌عنوان مظنون بازداشت کرد اما هیچ سرخی علیه آن افراد نبود و آنها یکی

### درگیری مرگبار ۴جوان در پارک

پسّر جوان که در جریان درگیری با جوان دیگری در پارک او را با ضربه چاقو به قتل رسانده بودند ۱۳ساعت پس از این جنایت دستگیر شدند. به گزارش همشهری، ساعت ۲۳:۳۵ یکشنبه به مأموران پلیس شهر هشتگرد در استان البرز خبر رسید که در جریان درگیری چند پسر جوان در پارک دانشجو یکی از آنها هدف ضربات چاقو قرار گرفته است.
دقایقی بعد از این خبر مأموران راهی محل درگیری شدند اما ضاربان از محل حادثه گریخته و جوان مجروح نیز به بیمارستان منتقل شده بود.
شواهد نشان می‌داد ۲نفر با پسر جوان درگیر شده و یکی از آنها چندین ضربه چاقو به وی زده و گریخته و ۲ نفر دیگر پسر مجروح را به بیمارستان برده‌اند.
درحالی‌که تحقیقات در این باره ادامه داشت از بیمارستان خبر رسید که جوان مجروح به‌دلیل شدت جراحات وارده روی تخت بیمارستان جانش را از دست داده است.
در این شرایط بود که تلاش‌ها به دستگیری عامل اصلی این درگیری مرگبار معطوف شد و درحالی‌که ۱۳ساعت از قتل می‌گذشت مأموران موفق شدند منتهم به قتل را همراه با ۲همدمتش دستگیر کنند.
سرهنگ علی سلیمانی، فرمانده انتظامی شهرستان ساوجبلاغ با اعلام جزئیات این پرونده گفت: مقتول ۲۰سال داشت و به‌دلیل اختلافات خصمی که با ۲نفر دیگر داشت از سوی آنها هدف ضربات چاقو قرار گرفت. او ادامه داد: در تحقیقات اولیه مشخص شد که عامل اصلی قتل یکی از دستگیر شدگان است که در بازجویی‌های مقدماتی اختلاف با مقتول را به‌عنوان انگیزه این درگیری اعلام کرده است.
به‌تفقه وی هم‌اکنون ۲متمم در بازداشت به‌سرمی‌برند و تحقیقات در این باره ادامه دار.

## حوادث

#### خواب عجیب پسر مقتول قاتل را از مجازات قصاص نجات داد

#### وقتی مقتول قاتلش را بخشید

پس این جمله را تکرار کرد و از من خواست تا به قاتلش زندگی ببخشم. بعد از آن وحشت‌زده از خواب پریدم. نزدیک به اذان صبح بود. حیرت زده بودم و به سراسر مادرم رفتم. او را از خواب بیدار کردم و برایش جزئیات خوابم را شرح دادم. او هم گفت که بارها خواب پدرم را دیده که پیغامش بخشش بوده است. مادرم آرامم کرد و گفت درخواست پدرت بخشش قاتلش است. من هم منتظر نشستم تا ساعت کاری اداره‌ها شروع شود و بعد به همراه مادرم و کیل‌مان راهی دادسرای جنایی شدیم و قاتل پدرم را بدون هیچ چشم‌اندشی بخشیدم.

#### نظر مادرت چه بود؟

مادرم بارها خواب پدرم را دیده بود. او هم هر بار پس از دیدن خواب پدرم، به بخشش فکر می‌کرد اما وقتی می‌دیدم من اصرارم بر قصاص است حرفی نمی‌زد می‌گفت کاری را انجام بدهم تا دلم را آرام کند.

#### حالا که قاتل پدرت را بخشیده‌ای چه احساسی داری؟

احساس می‌کنم روح پدرم آرام گرفته است. از وقتی حکم قصاص قاتل پدرم تأیید شده و او در آستانه مرگ قرار گرفته است، او به خواب مادرم می‌آید و پریشان است. انگار مرده‌ها هم از امور این دنیا آگاه می‌شوند. نمی‌دانم هر چه هست من امروز با بخشش قاتل پدرم آرام گرفته‌ام و مطمئنم روح پدرم نیز در آرامش است.

**برگردیم به روز حادثه، از همان روز در خواستت قصاص قاتل پدرت بود؟**

وقتی پدرم را از دست دادم ۱۰سال بیشتر نداشتم. با این حال خصمی از قاتل پدرم در دلم بود و او او نفرت داشتم که حق زندگی را از پدرم گرفت و من در آن سن کم یتیم شدم. در همه این سال‌ها بارها جای خالی پدرم را احساس کرده‌ام اما با تقدیر نمی‌توانم بی‌تجکم. یادآوری آن روزها و اتفاقات تلخی که برآیم افتاد و توانایی به پا شد، عذابم می‌دهد. به همین دلیل بود که دلم می‌خواست قاتلش قصاص شود. اما پدرم روح بزرگی دارد و یادم است که وقتی زنده بود همیشه از بخشش صحبت می‌کرد به جای انتقام. ای کاش هیچ‌وقت کسی جای ما قرار نگیرد. چون سخت‌ترین تصمیم دنیا، تصمیم درباره حق زندگی و مرگ یک انسان دیگر است.

#### خانواده قاتل هم برای رضایت تلاش می‌کردند؟

بارها به مقابل خانه ما آمدند و در خواست بخشش کردند. حتی حالی هم از زندان یا به تماس می‌گرفت و در خواست بخشش می‌کرد. پشیمان بودم و انظور که شنیدم در زندان همه از او راضی‌اند. او می‌گفت توبه کرده و در همه این سال‌ها عذاب وجدان زندگی کرده‌است.

پدرم را از دست دادم و تا مدت‌ها به فکر انتقامش بودم

### مرگ غم‌انگیز دختر ۴ساله در چاه



#### داخلی

وقتی دختر ۴ساله روی چمن‌ها رفت و زُست گرفت تا پدرش از او عکس بگیرد، ناگهان به داخل چاهی در یکی از رمپ‌ها سقوط کرد و در حادثه‌ای غم‌انگیز جانش را از دست داد.

به گزارش همشهری، عصر یکشنبه نوزدهم تیرماه خانواده‌ای برای تفریح به محوطه چمن‌کاری شده رمپ میدان افسریه رفته بودند که دختر خردسال خانواده از پدرش خواست تا از او عکس یادگاری بگیرد.

دختر ۴ساله به نام معصومه روی چمن‌ها ایستاد و زُست گرفت و پدر از داخل جیبش گوشی موبایلش را بیرون آورد اما در همین هنگام اتفاق عجیبی افتاد. دختر خردسال در چشم برهم‌زدن ناپدید شد و انگار زمین درگرفته و دختر کوچولو را بلعیده بود. پدرش وقتی جلوتر رفت با حفره‌ای روبه‌رو شد که دختر را بلعیده بود و فریادزنان درخواست کمک کرد.

طولی نکشید که آتش‌نشانی و اورژانس در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد که دختر ۴ساله هنگامی که روی چمن‌ها عقب می‌رفته به حفره‌ای که به چاهی عمیق منتهی می‌شد سقوط کرده و به داخل چاه افتاده است. آتش‌نشانان با تلاش زیاد او را از داخل چاه بیرون کشیدند اما وی جانش را از دست داده بود.

وقتی مرگ دخترپهجه تأیید شد گزارش این حادثه به کلانتری ۱۵۷ مسعودیه و قاضی میثم حسین پور، بازرس جنایی تهران اعلام شد. در این شرایط باز پرس جنایی دستور داد تا کار شناس حوادث کار به محل حادثه اعزام شود و بررسی‌های کارشناسانه خود را انجام بدهد.

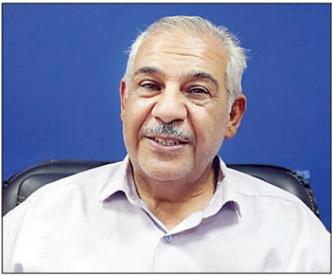
از سوسی دیگر خانواده کودک از مقصران مرگ وی شکایت کردند و به این ترتیب بازرس جنایی جنایی تهران دستور احتیاط پیمانکار را به دندسرا صادر کرد و این دپروژ در شعبه چهارم حضور یافتند و اعلام کردند که حفره ایجادشده در محل حادثه که به چاهی عمیق منتهی می‌شد به‌صورت ناگهانی ایجاد شده و آنها از وجود آن خبر نداشتند.
درحالی‌که بازرس جنایی دستور تشکیل هیأت سه‌نفره کارشناسی برای بررسی این حادثه صادر کرده، روز گذشته روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۵ نیز در اطلاعیه‌ای به بیان جزئیات حادثه پرداخت.
در این اطلاعیه آمده است: ساعت ۱۸:۴۵ روز یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۱ طی تماس با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی وقوع یک حادثه در رمپ فضای سبز سه‌راه افسریه گزارش شد و به محض اطلاع، مدیران و کارشناسان شهرداری در محل حادثه حاضر شدند و ضمن امداد رسانی، به بررسی ابعاد حادثه پرداختند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد هیچ چاه حفری و جذبی در محل مذکور وجود ندارد و چاه آبیاری سه‌راه افسریه در فاصله ۰۵متری از محل حادثه قرار دارد که فعال بوده و تمام موارد ایمنی لازم در خصوص آن رعایت شده است. محل حادثه نیز روزانه به‌صورت مستمر از سوی مسئولان و کارشناسان فضای سبز بازدید می‌شده و تاکنون در هیچ گزارش‌هی به‌وجود حفره اشاره نشده است.
کما اینکه ماشین چمن‌زنی تراکتوری نیز روزانه در محل فوق در حال تردد و فعالیت بوده است.

حادثه به‌نحوی رخ داد که کودک پس از حضور در فضای سبز یکباره در آن حفره سقوط کرده و یک حادثه غیرمنتظره و نادر رقم زد است. بنابر بررسی‌های اولیه صورت گرفته حفره مورد نظر در کنار میله قنات موسوم به صدرالاعظمی یکباره ایجاد شده و این رشته قنات‌ها پیش از ۶۰سال است که غیرفعال بوده و دهته آنها در سنوات گذشته قبل از احداث سه‌راه افسریه بر شده است.
رمپ مذکور نیز در محدوده ۱۳۲۲۷۱۱ احداث شده و شهرداری منطقه در این دوره زمانی به‌عنوان بهره‌بردار مسئولیت نگهداشت فضای سبز احداثی را بر عهده داشته است. روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۵ ضمن ابراز تأسف از حادثه پیش‌آمده، به‌دلیل دلخراش بودن آن تا تعیین ابعاد آن در کنار خانواده متوفی خواهد بود. لازم به ذکر است مراتب از طریق کارشناسان اداره حقوقی و متخصمان شهرداری در حال پیگیری است و به محض روشن شدن ابعاد حادثه، اطلاعات مربوطه متعاقباً اعلام می‌شود.

## همیشه‌ری

#### کوتاه از حادثه

### راننده تاکسی، امانتدار کیف ۵میلیاردی شد



راننده تاکسی امانتدار که در خیابان یک کیف پر از دلار و یورو به ارزش حدود ۵میلیارد تومان پیدا کرده بود، همان روز صاحب کیف را پیدا کرد و کیف را به او تحویل داد.

این راننده ۴ساله که غلامحسین بوذرجمهری نام دارد و راننده تاکسی بی‌سیم است، درباره این ماجرای عجیب و غریب به فارس می‌گوید: چند روز قبل که به‌دنبال یکی از مسافرانم به نزدیک میدان ۱۳آبان رفته بودم، یک کیف وسط خیابان دیدم و آن را برداشتم. منتظر مسافر بودم که در کیف را باز کردم. داخل آن ۳پاکت پر از دلار و یورو به همراه چندین کارت اعتباری بانک و یک تلفن همراه بود.

او ادامه می‌دهد: روزی که کیسفر را پیدا کرده بودم، چند روزی می‌شد که برای تعویض روغن ماشینم پول کنار می‌گذاشتم و حدود ۷۰۰۰هزار تومان لازم داشتم. حدود نیم‌ساعت از پیدا کردن کیف گذشته بود که تلفن همراهی که داخلش بود زنگ خورد. خانمی که پشت خط بود گفت من با دختر خالهام تماس گرفته‌ام و من هم ماجرای پیدا کردن کیف را تعریف کردم. چند دقیقه بعد صاحب کیف درحالی‌که گریه می‌کرد تماس گرفت و آدرس و خانه‌اش را به من داد و من هم چند دقیقه بعد کیف را به او رساندم و تحویل دادم.

این راننده تاکسی امانتدار می‌گوید: صاحب کیف پس از تحویل گرفتن آن شروع به شمردن دلارها کرد و در ادامه با اصرار از من شماره کارت گرفت و پس از مدتی برای تشکر و به‌عنوان مژدگانی، یک‌میلیون تومان به حسابم واریز کرد.

انظور که این راننده می‌گوید، پیش از این همه اموال بارزشی پیدا کرده و همه را به صاحبان‌شان تحویل داده است. او در این باره می‌گوید: من قبلاً برکت امانتداری را در زندگی‌ام دیده‌ام، وقتی کیف پر از دلار را پیدا کردم، یک لحظه این فکر به ذهنم رسید که با این پول می‌توانم تاکسی فرسودهم را که ۳سال از عمر مفیدش می‌گذرد تبدیل کنم، اما این سؤال برایم مطرح شد که آیا چرخ خودروی نو با پول مردم برآیم خواهد چرخید؟

بوذرجمهری در ادامه به یاد کار خیری که ۴۰سال قبل برای محدوده بازار، جوانی ماشین در دست می‌خواست و گفت یکصد تومان تا تهران‌پارس، او گفت باید یک مرد سالخورده را برساند. قبول کردم و به راه افتادم. مرد سالخورده حال خوشی نداشت و او را به نزدیک‌ترین بیمارستان رساندم و مثل پدر خودم کارهای بستری و پذیرش او را انجام دادم و در تمام مدت پیرمرد از من درخواست می‌کرد که او را در بیمارستان رها نکنم و بعد از چند روز که حالش خوب شد او را به خانه‌اش رساندم. آن موقع درآمد روزانه من ۵۰۰تومان بود اما او به من ۴هزار تومان که آن زمان پول زیادی بود داد. یک روز بعد وقتی به عبادت این مرد رفتم، فهمیدم که او یکی از فرش‌فروشان سرشناس بازار است. او به من گفت هر زمانی نیاز مالی داشتی به‌گو.

راننده تاکسی ادامه می‌دهد: حدود ۵سال از این ماجرا گذشته بود که به‌خاطر اقساط شهربانم آنجا رفتم. یکبار دیدم که با اگر قسط‌ها را نمی‌دادم خانم‌ام از دستم می‌رفت. با اصرار همسرم از تلفن همگانی نزدیک خانه با من در تماس گرفتم. او من را شناخت و همراه خانواده‌ام به خانه‌اش دعوتم کرد. آن شب نامه بانک را نشانهای دادم و او نگاهی انداخت و پولی بیشتر از من به بانک داد.

### مشروبات تقلبی جان ۲ نفر را گرفت

تحقیقات در پرونده مرگ مشکوک ۲ نفر در مهمانی شبانه نشان می‌دهد که آنها نیز او مصرف مشروبات الکلی تقلبی، جانشان را از دست داده‌اند.

به گزارش همشهری، مدتی قبل به قاضی محمد وهایی، بازرس جنایی تهران خبر رسید که ۲ پسر جوان به طرز مشکوکی جانشان را از دست داده‌اند. با دستور بازرس جنایی تحقیقات در این باره آغاز و مشخص شد که قربانیان با دوستانتشان در یک آرایشگاه مردانه در شمال تهران دور هم جمع شده و بزیم به یک کوره بودند. در دوره‌می شبانه، پسران جوان مشروبات الکلی مصرف کرده بودند که ناگهان حالشان بد شد و با اورژانس تماس گرفتند. از میان گفتاری که در مهمانی شبانه صورت داشتند، آفرینش جانشان را از دست دادند و ۲نفر دیگر از حضور مرگ نجات یافتند. در این شرایط بود که اجساد قربانیان برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد و خانواده آنها از مقصران مرگ فرزندشان شکایت کردند و خواستار مجازات مسیبان شدند. به‌دنبال شکایت خانواده‌ها و انجام تحقیقات، بازرس جنایی دستور بازداشت یکی از افرادی که در مهمانی شرکت داشت را صادر کرد. او کسی بود که مشروبات الکلی را تهیه کرده و وارد مهمانی شده بود. پسر جوان گفت: من همیشه از جوانی به نام مهرا، مشروبات الکلی می‌خرم و آخرین بار هم یکی از دوستانتم به من زنگ زد و مرا به آرایشگاه دعوت کرد. آرایشگاه محل کار یکی از دوستانتم بود که از من خواستند مشروب بخرم و نزد آنها بروم تا دورهم باشیم. من هم مانند گذشته سرخ‌م و متوفیان اعلام کرد. بر اساس نظریه پزشکی قانونی، پس از تحقیق از پسر جوان، بازرس جنایی برای وی قرار قانونی صادر کرد تا اینکه صبح دپروژ پزشکی قانونی نظریه خود را درباره علت قتل متوفیان اعلام کرد. بر اساس نظریه پزشکی قانونی، قربانیان به‌دلیل مسمومیت شدید ناشی از مصرف مشروبات الکلی تقلبی متانول جانشان را از دست داده‌اند. در این شرایط فردی که مشروبات را تهیه کرده بود در برابر اتهام تأیید شد و قتل عمدی قرار گرفت و بازرس جنایی دستور بازداشت فرورنده مشروبات تقلبی را نیز صادر کرد.